

## نگاه دو اقدام مهم در ارتباط با برجام

**کوروش احمدی\***

● مبارزات انتخاباتی در ایران در چند هفته گذشته و تمرکز بر مسائل داخلی عمدتا موجب شد تا در سطح افکار عمومی توجه درخوری به دو تحول مهم در ارتباط با برجام نشود. در این دو تحول و باوجود لفاظی‌های دونالد ترامپ در مخالفت قاطع با برجام در دوره مبارزات انتخاباتی، دولت آمریکا عملا و حداقل در دوره کنونی در جهت اجرا و تثبیت برجام حرکت کرده است.

در یک دوره تقریبا یک‌ماهه دو اقدام مهم و تعیین‌کننده؛ یعنی تأیید پایبندی ایران نسبت به برجام و تمدید تعلیق تحریم‌های مندرج در یکی از قوانین کنگره، باید از سوی دولت ترامپ انجام می‌شد؛ دو اقدامی که در صورت انجام‌ندادن آنها، دولت مذکور در موضع نقض برجام قرار می‌گرفت و وضعیتی بحرانی ایجاد می‌شد. در اولین اقدام، رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، در ۲۷ فروردین (۱۸ آوریل) در نامه‌ای به رئیس مجلس نمایندگان اعلام کرد که تا این تاریخ شرایط مندرج در قانون Iran Nuclear Agreement Review (INARA) (Act) محقق شده است. به‌این‌ترتیب، دولت آمریکا رسما بر پایبندی ایران به تعهداتش در چارچوب برجام صحه گذاشت. ارسال این تأییدیه به این دلیل الزامی بود که مطابق قانون INARA دولت آمریکا هر ۹۰ روز یک‌بار ملزم است کنگره را از ادامه پایبندی ایران به تعهدات خود در چارچوب برجام مطلع کند. مطابق این قانون در صورتی که کنگره چنین تأییدیه‌ای را از دولت دریافت نکند، ملزم است حداکثر در مدت ۶۰ روز تحریم‌های تعلیق‌شده را به اجرا درآورد یا در مصوبه‌ای تحریم‌هایی را که لازم می‌داند علیه ایران اعمال کند. هم‌زمان با ارسال این تأییدیه و به منظور کاستن از تلخی آن برای تدروهای آمریکا، انجام بررسی‌هایی در مورد ضرورت تعلیق تحریم‌ها نیز اعلام شد که جلوتر توضیح بیشتری در مورد آن داده خواهد شد.

در دومین اقدام، ترامپ در نامه‌ای به تیلرسون در ۲۷ اردیبهشت (۱۷ می) که در سایت کاخ سفید انتشار یافته، ضمن اشاره به قانون (NDAA) (National Defense Authorization Act) تصریح کرد که «... مطابق تعهدات آمریکا به نحو مقرر در برجام، آمریکا این‌بار تلاش‌ها برای کاهش فروش نفت از سوی ایران را پیگیری نمی‌کند». وزارت خارجه آمریکا نیز با صدور بیانه‌ای در همان روز اعلام کرد که دولت آمریکا به اطلاع کنگره رسانده است که «تعلیق تحریم‌ها به نحو مقرر در برجام را به منظور اجرای تعهدات آمریکا در مورد برداشتن تحریم‌ها ادامه می‌دهد». تحریم‌هایی که به این ترتیب تمدید تعلیق آنها اعلام شد، از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین تحریم‌های آمریکاست که تحت قانون NDAA در سال ۲۰۱۲ به تصویب کنگره رسیده بود. این تحریم‌ها عمدتا متوجه تحریم صدور نفت ایران بودو. مطابق قانون مذکور، این تحریم‌ها تنها می‌توانند برای یک دوره ۱۲۰ روزه تعلیق شوند. دولت اوباما این تعلیق را در اواسط ژانویه ۲۰۱۷ اعمال کرده بود. بنابراین ترامپ ملزم به تمدید این تعلیق‌ها در ۱۷ می بود و در غیر این صورت قانون مذکور به طور اتوماتیک به اجرا درمی‌آمد و با اعاده تحریم‌های مندرج در آن آمریکا در موضع نقض برجام قرار می‌گرفت. این امر می‌توانست به معنی خروج آمریکا از برجام باشد. اقدام به تعلیق تحریم‌ها اقدامی مهم و کلیدی بود که ناظران از ابتدای روی‌کارآمدن ترامپ منتظر مشاهده نحوه برخورد دولت جدید آمریکا با این امر بودند. این اولین‌بار بود که دولت ترامپ تمدید تعلیق‌ها را که جزء بسیار مهم و تعیین‌کننده برجام است، اعلام و از این‌طریق باوجود مخالفت‌های قاطع با برجام عملا در جهت حفظ و تداوم آن عمل کرد. برخی ناظران مانند جروزلم‌پست از این تحول به‌عنوان نقطه عطفی در روند اجرای برجام نام بردند.

اگرچه با این اقدام فعلا برجام از یک نقطه عطف مهم عبور کرده، اما تردید و بلاتکلیفی در مورد نحوه برخورد با آن همچنان بر دولت ترامپ مستولی است. او در جریان مبارزات انتخاباتی تدرتین حملات را علیه این توافق و معماران آن ابراز و به‌این‌ترتیب، خود را در برابر رأی‌دهندگان متعهد به لغو یا تغییر آن کرده بود. به همین دلیل دولت آمریکا کوشید تا از طریق اعلام هم‌زمان تحریم‌های موشکی علیه هفت شخص و شرکت ایرانی و چینی از تلخی این تحول مهم برای اعضای افراطی کنگره و طرفداران ترامپ در آمریکا بکاهد. این در حالی است که شرایط لازم برای اجتناب از تمدید تعلیق تحریم‌ها به‌هیچ‌روی فراهم نیست: سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (تاکنون پنج‌بار) و دبیرکل سازمان ملل (تاکنون دوبار) بر اجرای تعهدات طرف ایرانی صحه گذاشته‌اند. به‌علاوه، اتحادیه اروپا و تقریبا همه اعضای آن مؤکدا خواستار اجرای تعهدات همه طرف‌ها شده و سایر کشورها و افکار عمومی بین‌المللی نیز قویا موافق اجرای برجام هستند. دست‌نور تعلیق تحریم‌ها در «روز تصویب» برجام در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ از سوی اوباما صادر و در «روز اجرا» در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ نافذ شده بود.

**ادامه در صفحه۱۹**

## زیربنای برجام

## مبارزات انتخاباتی

## مبارزات انتخاباتی در ایران

زیربنای برژئیسکی، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، زمانی درگذشت که اسنادی از دخالت روسیه در انتخابات آمریکا و ارتباط داماد ترامپ با مقامات روس منتشر شده؛ یکی از زمان‌هایی که اگر مرگ پنجه در پنجه این ژنواستراتژیست لهستانی در نمی‌افتد، حتما یک بار دیگر او در انتقاد از سیاست‌های روسیه به سخن درمی‌آمد. تولد در لهستان و مشاهده سرزمین‌گستری اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان موجب شد برژئیسکی در همه سال‌های عمرش و در همه تحلیل‌هایش به نقش شوروی در حوادث جهان بپردازد. خبر درگذشت زیربنای برژئیسکی، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا را دخترش که مجری شبکه «ام‌اس‌ان‌بی‌سی» است، در پست اینستاگرامش اعلام کرد. برژئیسکی در سال‌های بحرانی رابطه ایران و آمریکا یعنی زمان پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری آمریکا بود. او از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ در این سمت بود و پس از آن هم در مسائل سیاست خارجی تأثیرگذار بود. برژئیسکی همچنین در دوران ریاست‌جمهوری رونالد ریگان کمیسنیوری رفاه را در دست داشت و تا سال ۱۹۸۹ نیز مشاغل دیگری را در دولت به دست گرفت. دختر برژئیسکی نوشته: «پدرم در آرامش درگذشت. او برای دوستانش زیگ، برای نوه‌هایش «رنیس» و برای همسرش عشق پایدار زندگی بود. من او را به‌عنوان پرانگیزه‌ترین، عاشق‌ترین و حامی‌ترین پدر یک دختر می‌شناسم. دوست دارم.»

**رقیب کسینجر**

در ۱۹۲۸ در ورشو لهستان متولد شد و ۱۹۵۸ توانست شهروندی آمریکا را بگیرد. در دانشگاه‌های معتبر آمریکا تحصیل کرد و در سمت‌های مهمی حضور داشت. بسیاری او و هنری کسینجر را هم‌تاز می‌دانند؛ اما معتقدند که تاریخ به طری عجب، برژئیسکی را نادیده گرفته است. فاینشال‌تایمز در مطلبی نوشته «شاهت‌های میان کسینجر و برژئیسکی کمی عجیب هستند: هر دو در اروپای چندین‌بار‌شده بین دو جنگ جهانی متولد شده‌اند: آقای کسینجر در سال ۱۹۲۳ در آلمان، آقای برژئیسکی در سال ۱۹۲۸ در لهستان. هر دو در سال ۱۹۳۸ اروپا را به مقصد آمریکای شمالی ترک کردند. هر دو به‌عنوان محقق برجسته راه خود را به هزارود و فراتر از آن گشودند. هر دو لهجه خود را حفظ کردند؛ ولی توانستند به قله سیاست خارجی که در تسخیر واسپ‌ها (اتنگولساکسون‌های سفیدپوست پروتستان) قرار داشت، دست پیدا کنند؛ موضوعی که زمینه‌ساز شوخی‌هایی نیز شد: «آمریکا جایی است که مردی با نام زیربنای برژئیسکی می‌تواند به نام و نشان برسد؛ بدون آنکه مجبور باشد نامش را تغییر دهد. شباهت‌ها همین‌جا به پایان می‌رسند. کسینجر مهارتی افسانه‌ای در عزیز‌کردن خود نزد دیگران داشت… از سوی دیگر زیگ (Zbig) - نام جهانی آقای برژئیسکی - به دلیل دشواری تلفظ نامش، با دقت موشکافانه‌ای سخن می‌گوید. او از آغاز فعالیتش به‌عنوان متخصص عالی‌رتبه در تحلیل مسائل اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۵۰ این‌گونه بود. در پایان دهه ۱۹۷۰ زمانی که به‌عنوان مشاور امنیت ملی دولت کارتر انتخاب شد و سیاست خارجی آمریکا را به عهده داشت، نیز این‌گونه رفتار می‌کرد. هنگامی که ابراز مخالفت می‌کرد، دیگر تردیدی وجود نداشت… برژئیسکی شاید به دلیل لهستانی‌بودن، هرگز در قصد و غرض اتحاد جماهیر شوروی شک نداشت.»

اگرچه کسینجر در تخریب رابطه چین واتحاد جماهیر شوروی تأثیرگذار بود؛ اما برژئیسکی در عادی‌سازی روابط آمریکا - چین، امضای دومین معاهده محدودسازی سلاح‌های استراتژیک موسوم به «سالت ۲» و میانجیگری توافق کمپ دیوید نقش داشت. اواز حامیان مسلح‌کردن مجاهدین علیه دولت افغانستان بود و توانست کارتر را متقاعد کند که این اقدام موجب می‌شود تا «ارتش شوروی برای مداخله در افغانستان» تحریک شود؛ اما در همه سال‌های کار او، مجاری تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان انقلابی و گروگان‌گیری کارمندان سفارت بزرگ‌ترین ضعف عملکرد در کارنامه او بود. بعد از آن برژئیسکی روی دور شکست افتاده بود. طراحی حمله طبس نیز به وسیله او انجام شد؛ اما شکست در این پروژه نیز موجب شد تا این لهستانی‌تبار آمریکایی‌شده به سوژه انتقاد مطبوعات آمریکایی بدل شد. حضور در سمت مشاور امنیت ملی آمریکا در روزهای منتهی به بهمن ۱۳۵۷ موجب می‌شد که او نقش یکی از مذاکره‌کنندگان اصلی را برعهده داشته باشد. پیشنهاد مذاکره با شهید بهشتی را از طریق الجزایر دنبال می‌کرد و در مذاکره با مهندس بازگان و دکتر ابراهیم یزدی نیز حضور داشت.

**پشتیان‌شاه**

شاه در مواجهه با انقلاب مردم ایران، از دولت کارتر کمک خواست. ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در ایران، بارها به محمدرضا شاه پهلوی اعلام کرد که «برژئیسکی از طریق خاط‌ر داده آمریکا به صورت همه‌جانبه از ایران حمایت خواهد کرد». چهار نوامبر ۱۹۷۸ «برژئیسکی با شاه تماس گرفت و گفت که آمریکا تا آخرین لحظه با او خواهد بود». در همین زمان، برخی از مقامات ارشد وزارت خارجه اعلام کردند که شاه باید کشور را ترک کند، بدون درنظرگرفتن اینکه چه کسی جای او را خواهد گرفت. برژئیسکی و جیمز شلزنبرگر، وزیر انرژی

## دیپلماسی

# مرگ مشاور امنیت ملی کارتر

**زیربنای برژئیسکی، معمار دیپلماسی آمریکا در زمان انقلاب اسلامی بود**



آمریکا (که در دوره ریاست‌جمهوری جرالدد فورد وزارت دفاع را برعهده داشت) همچنان بر حمایت نظامی آمریکا از شاه جانبداری می‌کردند. حتی در آخرین روزهای منتهی به انقلاب، هنگامی که سرنوشت شاه قطعی شده بود، برژئیسکی همچنان بر پشتیبانی از شاه برای باقی‌نگهداشتن ایران در مدار غرب، تأکید می‌کرد. کارتر نتوانست درباره استفاده صحیح از نیروی نظامی برای انجام یک کودتای آمریکایی دیگر در این کشور، تصمیم‌گیری کند. او همچنین به ناو هواپیمابر کانستلیبل دستور آماده‌باش داد؛ اما در نهایت نتوانست مانع تغییر رژیم در ایران شود.

**برژئیسکی در سکانس پایانی شاه**

خرداد سال گذشته، اسنادی در آمریکا از طبقه‌بندی خارج شده که ابعاد جدیدی از تصمیمات نشست گولدوپ را مشخص کرد. در این نشست غیررسمی هر رهبر فقط می‌توانست یک همراه بیاورد؛ همراه کارتر، زیربنای برژئیسکی، مشاور امنیت ملی او بود. بنا بر صورت‌جلسه نشست این شورا - در روز سوم ژانویه ۱۹۷۹ (دی ۱۳ ۱۳۵۷) - کارتر چندان نگران از دست‌رفتن متحد استراتژیک خود (ایران) نبود. او به مشاورانش می‌گوید که بعد از رفتن شاه، مجلس ایران می‌تواند منشأ ثبات در کشور باشد و یک ایران «حقیقتاً غیرمتعهد» که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت جهانی وابستگی نداشته باشد گردند؛ ولی توانستند به قله سیاست خارجی که در تسخیر واسپ‌ها (اتنگولساکسون‌های سفیدپوست پروتستان) قرار داشت، دست پیدا کنند؛ موضوعی که زمینه‌ساز شوخی‌هایی نیز شد: «آمریکا جایی است که مردی با نام زیربنای برژئیسکی می‌تواند به نام و نشان برسد؛ بدون آنکه مجبور باشد نامش را تغییر دهد. شباهت‌ها همین‌جا به پایان می‌رسند. کسینجر مهارتی افسانه‌ای در عزیز‌کردن خود نزد دیگران داشت… از سوی دیگر زیگ (Zbig) - نام جهانی آقای برژئیسکی - به دلیل دشواری تلفظ نامش، با دقت موشکافانه‌ای سخن می‌گوید. او از آغاز فعالیتش به‌عنوان متخصص عالی‌رتبه در تحلیل مسائل اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۵۰ این‌گونه بود. در پایان دهه ۱۹۷۰ زمانی که به‌عنوان مشاور امنیت ملی دولت کارتر انتخاب شد و سیاست خارجی آمریکا را به عهده داشت، نیز این‌گونه رفتار می‌کرد. هنگامی که ابراز مخالفت می‌کرد، دیگر تردیدی وجود نداشت… برژئیسکی شاید به دلیل لهستانی‌بودن، هرگز در قصد و غرض اتحاد جماهیر شوروی شک نداشت.»

اما رئیس‌جمهوری آمریکا پیش از عزیمت به گولدوپ، تصمیم نهایی خارج‌کردن شاه از ایران را در نشستی غیررسمی با مشاوران ارشدش در کاخ سفید گرفته بود. (ظهر سوم ژانویه ۱۹۷۹ - دی ۱۳ ۱۳۵۷) او آن روز پیامی با فوریت بالا از ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در تهران، دریافت کرده بود که «لحظه سرنوشت‌ساز فرا رسیده». شاه بر سر دوراهی بزرگی قرار دارد، زمام امور را به شاپور بختیار بسپرد و برود یا به محافظه‌کاران و ارتش اجازه سرکوب بدهد. سالیوان هشدار می‌دهد عده‌ای از افسران ارشد چنان از دولتی فرمانده کل قوا به ستوه آمده‌اند که قصد کودتا دارند. او می‌نویسد: «یک افسر ارشد ارتش ایران روز دوم ژانویه (۱۲ دی) بسیار محترمانه رئیس اداره مستشاری آمریکا در ارتش (ژنرال فیلیپ گست) را آگاه کرد که اگر شاه در چند روز آینده اقدامی قاطع نکند، ارتش او را برکنار خواهد کرد». سفیر آمریکا روز ۱۲ ژانویه ۱۹۷۹ (دی ۲۲ ۱۳۵۷) را روز احتمالی کودتا تعیین می‌کند. سالیوان می‌گوید باید فرض را بر این گذاشت که در هر صورت، شاه بزودی از

صحنه کنار خواهد رفت - با قدرت را به بختیار واگذار می‌کند و می‌رود یا او را در کودتا کنار می‌گذارند - بنابراین «ما باید بر نحوه رفتن او تمرکز کنیم». او می‌افزاید فقط رئیس‌جمهوری آمریکا می‌تواند شاه را راضی به خروج از ایران کند. سالیوان توصیه می‌کند پیام او در قالب استراحت و آزمایش‌های پزشکی و نیز «وظایف میهنی شاه» و شناس آخر برای نجات سلطنت و قانون اساسی مشروطه تنظیم شود.

همان روز ظهر، کارتر در واشنگتن مشاوران ارشدش را فرا می‌خواند. از حاضران می‌پرسد آیا آمریکا باید از شاه بخواهد از قدرت کناره بگیرد یا نه. برژئیسکی مخالفت می‌کند؛ ولی در برابر جبهه متحد سائیروس ونس، وزیر امور خارجه و استانسفیلد ترنر، رئیس سازمان سیا، در اقلیت قرار می‌گیرد. در نهایت قرار می‌شود کارتر مستقیما خواهان کناره‌گیری شاه نشود؛ ولی به زبانی دیپلماتیک از او بخواهد از ایران خارج شود.

**دنبال مذاکره با بهشتی**

برژئیسکی دنبال مذاکره با انقلابیون است. براساس گزارش فوق‌سری وزارت خارجه آمریکا که سه سال پیش از حالت طبقه‌بندی خارج شده، اواخر دی ۱۳۵۸ (ژانویه ۱۹۸۰)، برژئیسکی از دولت الجزایر می‌خواهد به‌عنوان رابط برای تماس با شهید بهشتی، اولین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، به واشنگتن کمک کند. درخواستی که الجزایر برای نگرانی از تخریب رابطه‌اش با دولت انقلابی آن را پیگیری نمی‌کند.

## دیپلماسی

## مبارزات انتخاباتی

## مبارزات انتخاباتی در ایران

سلاح‌هایی را که قرارداد فروش آنها با شاه بسته شده بود، به شما می‌فروشیم. ما دشمن مشترکی در همسایگی شمالی شما داریم. می‌توانیم در آینده با هم کار کنیم». به گفته وزیر دفاع آمریکا، مقامات ایرانی شرکت‌کننده در این جلسه خواستار تحویل‌گرفتن محمدرضاشاه پهلوی شدند. به گفته گیتس: «باسخ آنها این بود که «شاه را به ما بدهید». هرکدام مواضع خود را پنج یا شش بار تکرار کرد و در پایان برژئیسکی برخاست و گفت «تحویل شاه به شما با غرور ملی ما ناسازگار است» و این پایان کار بود». وزیر دفاع آمریکا یادآور شد که سه روز بعد سفارت آمریکا در تهران تسخیر شد و مقام‌های ایرانی شرکت‌کننده در جلسه الجزیره از کار برکنار شدند. درز خبر «دیدار مخفیانه لیبرال‌ها» با برژئیسکی یکی از عوامل مهم افزایش خشم انقلابیون و تسخیر سفارت بود.

**پنجه عقاب شکست**

ماجرای گروگان‌گیری از سفارت آمریکا در ایران، در روزهای پایانی دولت جیمی کارتر رخ داد. آنچه موجب زمین‌خوردن دولت دموکرات او و البته مغفورشدن برژئیسکی در آن دوره شد. اگرچه برژئیسکی در همان زمان حمله شوروی را پیش‌بینی کرده بود و با تقویت عربستان سعودی، پاکستان و جمهوری خلق چین، استراتژی‌ای را طراحی کرد تا حضور شوروی را در این منطقه تضعیف کند. برژئیسکی با بهره‌برداری از فضای ناامنی رخ‌داده آمریکا را به سمت تکثیر تسلیحات نظامی و تقویت سازوکار استقرار سریع نیروها، سوق داد. سال ۱۹۸۰، برژئیسکی عملیات «پنجه عقاب» را به‌منظور آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در ایران طراحی و در آن از واحد نظامی دلتافورس که به تازگی ایجاد شده بود و دیگر واحدهای نیروهای ویژه استفاده کرد. این ماموریت شکست خورد و سائیروس ونس، از سمت وزارت امور خارجه استعفا داد. پس از حادثه طبس، برژئیسکی به شدت مورد انتقاد مطبوعات قرار گرفت و به متفورترین چهره در دولت کارتر تبدیل شد. ادوارد کندی به‌عنوان نامزد دموکرات‌ها، در انتخابات سال ۱۹۸۰ با حمله به همین عملیات، کارتر را به چالش کشید و برژئیسکی را به شدت به باد انتقاد گرفت. با وجود این انتقادات در سال ۱۹۸۱ کارتر مدال «آزادی» ریاست‌جمهوری را به برژئیسکی اعطا کرد.

**ادامه در صفحه۱۹**

## کوتاه دیپلماسی

**عراق وارد سیاست‌های ضدایرانی ترامپ نمی‌شود**

● ایسنا: ابراهیم الجعفری وزیر خارجه عراق در مصاحبه با روزنامه اسپانیایی «آبث» در پاسخ به سئوآلی مبنی بر اینکه ترامپ خواستار شکل‌گیری جبهه‌ای جدید برابر ایران شده است و آیا عراق در چنین اقدامی مشارکت خواهد کرد؟ افزود : عراق وارد سیاست‌های محوری یک کشور علیه کشور دیگری نخواهد شد.او افزود: واقعیت‌های زیادی عراق را با ایران (جغرافیا، تاریخ، مسائل اجتماعی، منافع مشترک و…) پیوند زده است. تهران به هیچ منطقه‌ای از عراق حمله نکرده است.

### نگرانی فرانسه از کارخانه موشکی جدید ایران

● ایسنا: رومان نادال، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه درباره ساخت سومین کارخانه ساخت

موشک بالستیک ایران ابراز نگرانی کرد و مدعی شد: ایرانی‌ها باید به قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد پایبند بمانند و از ایجاد تنش در منطقه خودداری کنند. به گفته نادال، هر اقدامی که در راستای ساخت موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای صورت بگیرد، بنا بر مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل ممنوع است. این در حالی است که مقامات ایران همواره ضمن رد این ادعاها، تأکید کرده‌اند که برنامه موشکی ایران برای دفاع ضروری بوده و به‌هیچ‌وجه نقض برجام با قطع‌نامه‌های سازمان ملل محسوب نمی‌شود.

### ادعاهای تکراری بحرین

● فارس: علی بن محمد الرمیچی وزیر اطلاع‌رسانی بحرین بار دیگر با متهم‌کردن ایران به حمایت از تروریسم و مداخله در امور داخلی کشورهای عربی، جامعه جهانی را به مقابله با ایران فراخواند. او در گفت‌وگو با روزنامه سعودی «الشرق الاوسط» اجلاس اخیر عربی- اسلامی و آمریکایی در ریاض را اقدامی در جهت تشدید فشارهای بین‌المللی بر ایران برای عدم مداخله در امور دیگران، احترام به اصول حسن هم‌جواری، توقف حمایت از تروریست‌ها و پایبندی به قوانین و معاهدات بین‌المللی خواند و جامعه جهانی را به تشریک مساعی برای بازدارندگی تروریسم ایرانی و خشکاندن منابع مالی و فکری گروه‌های افراطی دعوت کرد.

